[28] از برخی از روایات استفاده می شود که در لحظات احتضار امیر المؤمنین (علیه السلام) در خانه حضور نداشت، وفقط اسماء در خانه بود، وپس از آنکه از دنیا رفتند، امام حسن وحسین (علیهما السلام) وارد خانه شدند وگفتند: اسماء مادر ما هیچ وقت در این ساعت نمی خوابید، اوگفت: أي فرزندان رسول خدا مادر شما نخوابیده بلکه ازدنیا رفته است. با شنیدن این سخن فریاد کودکان برخاست وبروی مادر افتادند، وبا أو به سخن گفتن پرداختند، اسماء از آنان خواست که پدرشان را که در مسجد حضور داشت آگاه سازند، حضرت علی (علیه السلام) در کنار همسر وفادارش قرار گرفت وگفت: بعد از این به چه کسی خود را تسلی دهم. فریاد گریه وشیون تمام مرد وزن مدینه را فرا گرفت، همانند روزی که پیامبر اسلام از دنیا رفت، مردم در انتظار بودند که جنازه را تشییع وبرآن نماز گذارند، امام تشییع را به تأخیر انداخت تا به وصیت همسر عمل نماید. هنگامی که دیدگان در خواب رفت وصداها به خاموش گرائید امام آن بدن نحیف را که مصیبتهای فراوان آنرا چون هلال ماه خمیده ساخته بود را غسل داد، ودرون کفن جای داد، واو را با حنوط بهشتی که پیامبر داده بود حنوط کرد. پس از مراسم به فرزندانش فرمود: أي حسن أي حسین أي زینب وای ام کلثوم بیائید وبا مادرتان خداحافظی کنید که وقت جدائی رسیده، تا بار دیگر در بهشت با وی ملاقات ودیدار نمائید. کودکان که منتظر چنین فرصتي بودند بسرعت آمده وخودرا روی آن بدن پاك افکندند، آنگونه که پروانه روی شمع می افتد، با صدائی آهسته

_____